

تأثیر معاهده های سرمایه گذاری بر سیاست زدایی اختلافات سرمایه گذاری خارجی

(رویکرد قانونی شدن، دیپلماسی و توسعه)

مصطفی حیدری هراتمه*

استادیار گروه اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳

The impact of investment treaties on policy -making foreign investment disputes

(Approach to legalization, diplomacy and development)

Mustafa Heydari Heratmeh*

Assistant Professor of Economics and Management, Islamic Azad University of Naraq Branch, Naraq, Iran

Received: (30/06/2022)

Accepted: (29/09/2022)

شناسه یکتا: <https://doi.org/10.52547/JABM.3.2.6>

چکیده

پایه گذاران نظام معاهدات سرمایه گذاری و همچنین بسیاری از طرفداران فعلی ابراز داشته اند که چگونه معاهدات به کشورهای در حال توسعه این امکان را می دهند تا اختلافات سرمایه گذار - دولت را سیاست زدایی کنند یعنی مناقشات تجاری را از ملاحظات گسترده تر سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای توسعه یافته حفظ کنند. در حالی که این استدلال توسط محققان اقتصادی و حقوقی به صورت گسترده تری پذیرفته می شود و صریحا توسط کشورهای صادرکننده سرمایه تبلیغ می شود، هرگز مورد بررسی تجربی قرار نگرفته است. بنابراین تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر معاهده های سرمایه گذاری بر سیاست زدایی اختلافات سرمایه گذاری خارجی با رویکرد قانونی شدن، دیپلماسی و توسعه در نظر گرفته شد. از منظر روش شناسی، از نوع توصیفی کمی و به صورت مقطعی و از نوع کاربردی است. در این راستا فرضیه ای با همین مضمون تبیین و ۱۲۷ مورد اختلاف در یک دوره ده ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ در اقتصاد ایران با استفاده از مدل لجیت مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد الف) در کشورهای در حال توسعه به طور معمول در ازای کمتر سیاسی کردن مناقشات سرمایه گذاری خود، تشویق می شوند تا به داوری معاهدات سرمایه گذاری ترغیب شوند. ب) در حالی که دولت ها به صورت مکرر در اختلافات دنیای در حال توسعه مداخله می کنند، دولت های قدرتمند به ندرت از تهدیدات یا تحریم های صریح در مناقشات سرمایه گذاری استفاده می کنند. این امر حاکی از یک تغییر مهم در دیپلماسی سرمایه گذاری از دوره ای است که نظام معاهدات سرمایه گذاری آشکار شده است. ج) مداخلات دیپلماتیک تهاجمی تر در گذشته اغلب در اختلافات مربوط به سلب مالکیت آشکار شده اما چنین اختلافاتی امروزه بسیار کمتر اتفاق می افتد و اختلافات ظریف تری در مورد شرایط پیمانکاری و تغییرات نظارتی جایگزین می شود.

واژه های کلیدی

معاهدات سرمایه گذاری، اختلافات سرمایه گذاری، قانونی شدن، دیپلماسی و توسعه، سیاست زدایی

Abstract

The founders of the investment treaty system, as well as many current proponents, have expressed how treaties allow developing countries to de-politicize investor-government disputes. That is, to protect trade disputes from broader political and diplomatic considerations with developed countries. While this argument is more widely accepted by economic and legal researchers and explicitly promoted by capital-exporting countries, it has never been subjected to empirical investigation. The present study aimed to investigate the effect of investment treaties on the de-Politicization of foreign investment disputes with the approach of legalization, diplomacy and development. From a methodological point of view, it is quantitatively descriptive, cross-sectional and applied. In this regard, a hypothesis with the same theme was explained and 127 differences in a ten-year period from 2009 to 2019 in the Iranian economy were studied and analyzed using the logit model. The results showed that: a) Developing countries are usually encouraged to arbitrate investment treaties in exchange for less politicization of their investment disputes. b) While powerful governments frequently intervene in the disputes of the developing world, however, they seldom use explicit threats or sanctions in investment disputes. This marks an important shift in investment diplomacy ever since the system of investment treaties became apparent. c) More aggressive diplomatic interventions in the past have often been manifested in disputes over expropriation, but such disputes occur much less frequently today and are replaced by more subtle disputes over contract terms and regulatory changes.

Keywords

Investment treaties, investment disputes, legalization, diplomacy and development, policymaking

مقدمه

سیاسی مورد بحث دیپلمات ها بدل شود (واندولد^۵، ۲۰۱۲). بنابراین، مداخلات دیپلماتیک کشور محل اقامت- یا اعمال قدرت و سازمانهای سیاسی دولتی برای پیشبرد منافع سرمایه گذاران خصوصی- دیگر لازم نخواهد بود. درگیری در مورد مناقشات سرمایه گذاری خصوصی را می توان از دستور کار دوجانبه بین کشور میزبان و کشور محل اقامت حذف کرد. این عقیده که دسترسی به داوری بین المللی دولت- سرمایه گذار، مناقشات سرمایه گذاری را سیاست زدایی می کند، یک بحث کلیدی در میان محققان و وکلای طرفدار گسترش نظام معاهدات سرمایه گذاری باقی می ماند (شیهاتا^۶، ۱۹۸۶). برخی دولتها استدلال می کنند که یکی از اصلی ترین مزایای داوری بین المللی معاهدات سرمایه گذاری، حل و فصل مناقشات سرمایه گذاری بدون ایجاد تضاد دولت - دولت است. برخی نکات بعنوان یک توجیه حتی برای معاهدات سرمایه گذاری سیاست زدایی می شوند، اما این استدلال در درجه اول بعنوان یک مزیت اصلی برای کشورهای توسعه یافته با قدرت کمتر مورد بررسی قرار می گیرد. در واقع اگر وعده سیاست زدایی تحقق یابد، اتخاذ معاهدات سرمایه گذاری ممکن است برای کشورهای در حال توسعه محتاطانه باشد (یاکی، ۲۰۱۷)، در صورتی که آنها اساساً جریان های سرمایه گذاری را تغییر نمی دهند، زیرا معاهدات ممکن است بعنوان یک محدودیت موثر در مورد سوء استفاده از حمایت دیپلماتیک با صادرکنندگان قدرتمند سرمایه ای عمل کنند. همانطور که اچاندی معتقد است، "یک نقش مهمی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه انتظار داشته اند [معاهدات سرمایه گذاری] برای انجام سیاست زدایی مناقشات مرتبط با سرمایه گذاری بین المللی است" (اچاندی^۷، ۲۰۱۶). یکی از دلایل تحلیل تجربی مداخلات دیپلماتیک در اختلافات سرمایه گذاری این است که تا به حال توجه آکادمیک کمی به این حوزه شده است، زیرا فشار سیاسی در حل و فصل اختلافات غیررسمی به ندرت مشاهده می شود. دولت های داخلی، دولت های میزبان سرمایه گذاران خارجی همه می توانند مشوق هایی داشته باشند تا مذاکرات را در مورد اختلافات سرمایه گذاری محرمانه نگه دارند (USTR^۸، ۲۰۱۵). بنابراین تحقیق حاضر با هدف بررسی تاثیر معاهده های سرمایه گذاری بر سیاست زدایی

مطالعات زیادی در حوزه معاهدات سرمایه گذاری بیشتر به این موضوع توجه کرده اند که آیا این معاهدات در جذب سرمایه خارجی در کشورهای در حال توسعه موفق بوده اند و تا چه حدی موفق بوده اند (یاکی^۱، ۲۰۱۷). با این حال در مطالعات تجربی، توجیه اصلی دیگر برای معاهدات توجه کمی را به خود جلب کرده است، یعنی پتانسیل داوری سرمایه گذاری، مناقشات سرمایه گذاری را از سیاست دور می کند. این موضوع مایه تاسف است. اگر این پتانسیل ها بالفعل شود، یک استدلال سیاسی قدرتمند برای کشورهای در حال توسعه فراهم می شود تا به معاهدات وارد شوند صرف نظر از اینکه آیا آنها سرمایه گذاری خارجی را در حاشیه ترویج می دهند یا خیر (ایسبت، ۲۰۰۹؛ پولسن، ۲۰۱۰؛ یاکی، ۲۰۱۰؛ پینهاردت و آلی، ۲۰۱۲؛ کرنر و لاورنس، ۲۰۱۴)^۲. سیاست زدایی توجیه اصلی برای ایجاد نظام معاهدات سرمایه گذاری مدرن است، نه ترویج سرمایه گذاری. قبل از ظهور داوری بین المللی سرمایه گذاری، سرمایه گذاران خارجی قادر به حل و فصل مناقشات مربوط به حقوق مالکیت با دولتهای میزبان وابسته به حمایت دیپلماتیک نیستند (پارا^۳، ۲۰۱۵). اگرچه دولتهای کشور داخلی، اغلب در طرف سرمایه گذاران خود دخالت می کنند، چنین مداخلاتی می تواند روابط دیپلماتیک بین کشورها را مختل کند، و در مواردی حتی به مسائل جنگ و صلح تبدیل شود. بعنوان مثال، در صورتی که کشورهای در حال توسعه نتوانند مناقشات جدی با سرمایه گذاران خارجی را حل و فصل کنند به صورت مداوم با تحریم مواجه می شوند (مورر^۴، ۲۰۱۳). نظام معاهدات مدرن سرمایه گذاری، یک سیستم جایگزین حل اختلاف را ارائه داده است، که به موجب آن سرمایه گذاران خصوصی می توانند به صورت مستقیم کشورهای میزبان را مسئول پاسخگویی به نقض حقوق مالکیت از طریق داوری بین المللی بدانند. دسترسی خصوصی به حل و فصل مناقشات بین المللی بدین معنی است که اختلافات بین سرمایه گذاران خارجی و دولتهای میزبان به روشهای قانونی فنی بدل می شود، بجای اینکه به نزاع های

1. Yackee

2. Aisbett, Poulsen, Yackee, Peinhardt & Allee, Kerner & Lawrence, Jandhyala & Weiner, Colen, ersyn, & Guariso

3. Parra

4. Maurer

5. Vandeveld

6. Shihata

7. Echandi

8. United States Trade Representative

ایجاد نظام مدرن معاهدات سرمایه گذاری بود. در طول قرن نوزدهم و بیشتر قرن بیستم، اختلافات بین سرمایه‌گذاران خارجی خصوصی و دولت‌های کشورهای در حال توسعه به صورت معمول سیاسی شد. در صورتیکه دارایی‌های آنها مصادره شود یا با موارد دیگری مواجه شود، شرکت‌های غربی، دولت‌های داخلی خودشان را لابی می‌کنند تا دولت‌های میزبان را به پرداخت غرامت مناسب وادار کنند (لوی و اسرینیواسان، ۱۹۹۰؛ سیکس، ۲۰۰۵).^۴ اگرچه دولت‌های داخلی اغلب تمایلی به مشارکت آرام در اختلافات اقتصادی ندارند، مخصوصاً زمانی که کار در حال انجام آن‌ها با اهداف سیاسی دیگر دولت در تضاد باشد، آنها گاهی اوقات با فشار خصوصی شکسته می‌شوند و برای پیشبرد منافع سرمایه‌گذاران به صورت دیپلماتیک مداخله می‌کنند. در حالیکه تحقیقات محدودی در مورد تاریخ دیپلماسی سرمایه‌گذاری اروپا وجود دارد. یاکی (۲۰۱۷) و مائورر (۲۰۱۳) به تفصیل بیان می‌کند که چگونه دولت ایالات متحده به صورت مداوم، اگرچه با اکراه، درباره طرف سرمایه‌گذاران آمریکایی در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم مداخله کرد. مراکز دولتی و امنیتی با احتیاط در اختلافات سرمایه‌گذاری درگیر می‌شوند، زیرا اغلب حمایت دیپلماتیک سیاسی خارجی گسترده‌تر به خطر می‌افتد، مهمترین آنها حفظ پیمان‌های استراتژیک با دولت‌های کشورهای در حال توسعه می‌باشد. داوری دولتی سرمایه‌گذار برای ارائه راه حلی برای این مسئله استراتژیک طراحی می‌شود. طراحان و معماران نظام معاهدات سرمایه‌گذاری اظهار داشتند که بهترین روش برای سیاست زدایی اختلافات سرمایه‌گذاری این است که برای سرمایه‌گذاران خارجی این امکان را فراهم سازند تا به صورت مستقیم ادعاهای بین‌المللی را در مقابل دولت میزبان مطرح کنند بدون اینکه دولت داخلی آنها را درگیر کنند در این جا یک دادگاه خصوصی این صلاحیت را دارد تا در مورد اختلافات و جبران خسارت تصمیم‌گیری کند. این تصمیمات بدون فرصت‌های واقعی برای تجدید نظر، نهایی خواهند شد و در صورتی که دولت‌ها موافقت نکنند، سرمایه‌گذاران مجاز هستند تا دارایی‌های تجاری آنها را در سراسر جهان مصادره کنند. و زمانی که محل دادرسی اصلی برای اختلافات، بخشی از گروه بانک جهانی باشد - مرکز بین‌المللی حل اختلافات سرمایه

اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی با رویکرد قانونی شدن، دیپلماسی و توسعه در نظر گرفته شد و در راستای میانی نظری و ادبیات موضوع فرضیه‌ای به این شرح معاهده‌های سرمایه‌گذاری بر سیاست زدایی اختلافات سرمایه‌گذار تاثیر معنی‌داری دارد، تبیین گردید به عبارت دیگر فرضیه سیاست زدایی فرض می‌کند که دولت‌های کشور خودی از دخالت دیپلماتیک در اختلافات سرمایه‌گذاری خودداری می‌کنند، و ترجیح می‌دهند تا سرمایه‌گذاران را به حال خود بگذارند تا منابع خودشان را دنبال کنند. بنابراین سؤال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه معاهده‌های سرمایه‌گذاری بر سیاست زدایی اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی چه تاثیری دارد؟

چارچوب نظری تحقیق

تمام اختلافات حقوقی بین‌المللی در یک شکل یا اشکال دیگری، "سیاسی" هستند (لوترپاشت^۱، ۱۹۳۳). بنابراین مهم است که مشخص شود که منظور از حل و فصل اختلافات "سیاسی" چیست. به عنوان مثال، حتی زمانی که اختلافات به داوری بین‌المللی نمی‌روند، تهدیدات عمومی برای تعقیب قانونی دولت میزبان و بحث‌های مقابله‌ای بین سرمایه‌گذاران خارجی و کشورهای میزبان به شدت سیاسی می‌شود (پست^۲، ۲۰۱۴). زمانی که اختلافات به داوری می‌روند، سیاسی سازی می‌تواند به هزینه‌های سیاسی تحمیل شده توسط مدعیان یا پاسخ‌دهندگان در حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری اشاره کند. علاوه بر این، ادبیات حقوقی در مورد نظام معاهدات سرمایه‌گذاری، به وضوح "سیاسی سازی" را به عنوان حل اختلاف تعریف کرده است، از طریق الف) مذاکرات دولتی میزبان - سرمایه‌گذار؛ ب) دادگاه‌های محلی متعصب علیه بیگانگان؛ ج) حل و فصل اختلافات رسمی بین دولت‌ها؛ و د) مذاکرات غیررسمی بین دولت‌ها (جانسون و گیمبلت^۳، ۲۰۱۱). با گذر از مسائل مفهومی، تنها بر درک این اصطلاح با تعریف سیاسی سازی به عنوان دخالت دیپلماتیک کشور وطن تمرکز می‌شود، که در آنجا ویژگی‌های اختلاف در دستور کار دوجانبه دیپلماتیک و قدرت دولتی و دستگاه‌ها به جانبداری از علایق خصوصی سرمایه‌گذار اعمال می‌شود. حذف عنصر سیاسی سازی، توجیه اصلی برای

9. Lauterpacht

10. Post

11. Johnson & Gimblett

12. Levy & Srinivasan, Sykes,

امکان را فراهم می کند که " با ظرافت از انواع درگیری های مداوم خارج شود" که مستلزم آن حمایت دیپلماتیک است. مقامات آمریکایی همچنین مسئول برنامه قراردادهای سرمایه گذاری دوجانبه ایالات متحده هستند که پتانسیل سیاست زدایی اختلافات سرمایه گذاری را به عنوان یکی از منافع اصلی سیستم در نظر گرفته است. همانطور که بعدها یکی از مذاکره کنندگان اصلی نوشت، داوری معاهدات سرمایه گذاری تضمین خواهد کرد که حل اختلاف " به صورت کامل از رابطه سیاسی بین دولت سرمایه گذار و دولت میزبان مجزا است" (واندلود، ۱۹۸۸). این مزیت برای کشورهای ضعیف تر در حال توسعه از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. مذاکره کننده سابق معاهدات سرمایه گذاری از کاستاریکا، نقل قول با ارزشی دارد: حل و فصل اختلافات دولت- سرمایه گذار مانع می شود که در حل اختلافات سرمایه گذاری نقش ایفا کند در این زمینه، سیستم سرمایه گذاری بین المللی نقش اساسی در مدیریت بین المللی و کشورهای کوچک تر در حال توسعه دارد. در این دنیای به شدت در حال تعامل که مستعد تنش های مکرر بین المللی است، کشورهای در حال توسعه قدرت اقتصادی، سیاسی، و/یا نظامی محدودتری برای دفاع از منافع خود دارند (پارا، ۲۰۱۵). در نتیجه، یکی از ابزارهای محدود این است که اقتصاد های کوچک تر ارتقاء دستور کار خود را در اختیار دارند، برخلاف تمام محدودیت های حقوق بین المللی است. بنابراین، بهترین و بیشترین منافع کشورهای در حال توسعه تقویت توسعه و اجرای موثر نقش قانون در امور بین المللی از جمله روابط سرمایه گذاری است. محققان حقوق بین الملل نیز معتقدند که چنین سیاست زدایی مهمترین پیشرفت نظام معاهدات سرمایه گذاری است. بعنوان مثال، ریزمن^۴ (۲۰۱۲)، مطرح می کند که " دستاورد اصلی" نظام معاهدات سرمایه گذاری ارتقاء جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیست، بلکه جداسازی ادعاهای دولت - سرمایه گذار از سیاست های "زیاده خواهی های حاکمیت به حاکمیت" است. همچنین، اسچویل ادعا می کند که " آنچه مشخص است این است که داوری دولت- سرمایه گذار اثبات شده است تا یک جایگزین مهم و موفق برای دیپلماسی گذشته باشد" (اسچویل^۵، ۲۰۱۶). در همین راستا، آوارز^۶ (۲۰۰۹) خاطرنشان می کند که " امروزه، سرمایه گذاران

گذاری^۱ (ICSID) - عدم رعایت امانت نیز می تواند باعث تحریم های اقتصادی توسط بانک ها و اعضای آن شود (مورر^۲، ۲۰۱۳). رضایت داوری بین المللی دولت - سرمایه گذار می تواند مشروط به قوانین داخلی یا قوانین قراردادهای باشد، اما یک ابزار بسیار قدرتمند از طریق معاهدات خواهد بود، که در آن دولت ها یک موضع گیری ارائه می دهند تا اختلافات را با طبقه گسترده ای از سرمایه گذاران خارجی داوری کنند (برخلاف قراردادهای خاص سرمایه گذار) بدون اینکه توانایی این را داشته باشند تا به صورت یک جانبه از دعوت برای داوری بین المللی صرف نظر کنند (برخلاف قوانین داخلی). مهمترین آنها تعداد رو به رشد قراردادهای سرمایه گذاری دوجانبه بودند، که برای سرمایه گذاران خارجی حمایت های گسترده ای را در مقابل طیف گسترده ای از خطرات سیاسی، از جمله نقض قرارداد، تبعیض، محدودیت های انتقال سرمایه، رفتار " غیر منصفانه و ناعادلانه" و عدم جبران مصادره های مستقیم و غیرمستقیم فراهم می کنند (لاترپاچت، ۲۰۱۱). از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، اکثریت قریب به اتفاق قراردادهای سرمایه گذاری دوجانبه حمایت های اصلی خود را با مراجعه به داوری دولت- سرمایه گذار همراه کردند و مقررات مشابهی را نیز در موافقتنامه های ترجیحی تجاری^۳ (PTA)، مانند توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی قرار داده اند. ایالات متحده موافقت خود را با داوری معاهدات سرمایه گذاری در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز کرد، و در زمان نوشتن طرفین برای ۵۰ معاهده ای است که شامل این مکانیسم حل اختلاف می شود. تضمین دسترسی خصوصی به داوری دولت- سرمایه گذار در معاهدات سرمایه گذاری، یک سیستم حقوقی بسیار قدرتمند را ایجاد کرده و پتانسیلی برای جلوگیری از تبدیل حل اختلافات سرمایه گذاری به درگیریهای بین دولتی دارد (پست، ۲۰۱۴:۶). در واقع، پیش نویس مستندات کنوانسیون ICSID، مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری مطرح می کند که یکی از اهداف اصلی سیستم ICSID این است که " اختلافات را از قلمرو دیپلماسی رفع کند و آنها را به قلمرو قانون بازگرداند". به همین ترتیب، مورر (۲۰۱۳) نشان می دهد که این سیستم دولت ایالات متحده را از فشار سرمایه گذار برای مداخله در اختلافات مجزا می کند، و این

16. Reisman

17. Schwebel,

18. Alvarez

13. International Centre for Settlement of Investment Disputes

14. Maurer

15. Preferential Trade Agreements (PTA)

کشور وطن ایفا می کنند (روس،^۴ ۲۰۰۷). نهادهای دولتی در برخی کشورها به صورت آگاهانه و استراتژیک به سیاست تجاری پس از پایان جنگ سرد برگشتند. و گزارش دادند که: زمانی که شرکت ها علاقه مند به کمک هستند، زمانی که آنها مشکل دارند- و صرف نظر از اینکه آیا قراردادهای سرمایه گذاری دوجانبه موثر است یا خیر- از طریق سفارت خانه ها کمک کنسولی ارائه خواهد شد. با اطمینان می توان گفت که حمایت از منافع سرمایه گذاران آمریکایی در خارج از کشور یکی از نگرانی‌های اصلی بخش های اقتصادی و تجاری سفارت خانه ها است. نقش اصلی سیاست تجاری به دولت یک انگیزه سریع برای مبارزه برای منافع سرمایه گذاران درگیر در اختلافات می دهد، مستقل از فشار خصوصی که برای انجام این کار وارد می کنند در این ارتباط نهادهای دولتی معتقدند^۵ زمانی که با کسب و کارهای افراد برخورد منصفانه‌ای صورت نمی گیرد، این موضوع فقط یک مسئله اقتصادی نیست. این موضوع یک مسئله دیپلماتیک است و ما آن را در بالاترین سطح مطرح می کنیم (کلینتون،^۵ ۲۰۱۶). بنابراین، ماموران دولتی اغلب علاقه مند به دخالت در اختلافات هستند. و به شرطی که این مقامات در دخالت های آنها موثر و محتاط باشند، چون این سیاست زدایی برای بسیاری از سرمایه گذاران خارجی مفید است، از جمله سرمایه گذارانی که به داوری معاهدات بین المللی مراجعه می کنند. اگر شما هدایت سرمایه گذاری حمایت های قوی از حق مالکیت را ارائه می دهند، داوری معاهدات سرمایه گذاری گران است، رویه قضایی اغلب نا مشخص است، و ادعا های سرمایه گذار می تواند روابط آینده با دولتهای میزبان را پیچیده تر کند. به طور کلی، به ندرت سرمایه گذاران داوری بین المللی را به عنوان موثرترین روش برای مقابله با ریسک سیاسی در نظر می گیرند (میگا،^۶ ۲۰۱۳)، و حداقل تنها تعداد کمی از بزرگترین شرکت های جهان دانش قابل توجهی در مورد حقوق طبق معاهدات سرمایه گذاری قابل اجرا دارند (یاکی، ۲۰۱۰). به همین دلیل، است که مقامات دولتی و مدیران اجرایی بخش خصوصی این امر را تایید می کنند که شرکت هایی که در خارج از کشور فعالیت می کنند اغلب درباره دولت برای کمک تجدیدنظر می کنند، و اینکه چنین تجدیدنظر هایی

خارجی ایالات متحده به احتمال زیاد توسط معاهدات بین المللی سرمایه گذاری حمایت می شوند و توسط تهدیدات غیرقانونی حمایت نمی شوند، یا حتی توسط تهدیدات ایالات متحده برای اعمال تحریم های اقتصادی یک جانبه در مقابل یک دولت در حال مصادره حمایت نمی شوند.^۷ نتیجه اجماع بین دانشمندان حقوقی را می توان چنین خلاصه نمود: "ماهیت معاهدات سرمایه گذاری این است که مجادلات بین سرمایه گذاران خارجی و دولت های میزبان از روابط دیپلماتیک و سیاسی بین دولتها مجزا می شود"^۸ پاپارینسکیس،^۱ ۲۰۱۰). مسیر این استدلال، هزینه های سیاسی غالباً جدی را درک میکند که مداخلات دیپلماتیک در اختلافات دولت- سرمایه گذار دوره های قبلی همراه یکدیگر هستند، و روابط بین المللی و علوم سیاسی استدلال می کند که قانونی سازی می تواند به جداسازی اختلافات تجاری از روابط دیپلماتیک کمک کند. یک گزاره تجربی قابل آزمایش پیشنهاد می شود اما هنوز آزمایش نشده است: پست دولت های داخلی به احتمال کمتر به صورت دیپلماتیک در اختلافاتی دخالت می کنند که سرمایه گذاران در آن اختلافات به داوری دولت- سرمایه گذار مبتنی بر معاهدات دسترسی دارند به جای اختلافاتی که در آن سرمایه گذاران فاقد چنین دسترسی هستند. اگرچه فهم عرفی قابل قبول است، اما دلایلی برای دیر باور بودن وجود دارد (پاپارینسکیس؛ تیتی، ۲۰۱۰؛ بونیتچا، پولسن، و وایبل، ۲۰۱۷).^۲ فرضیه سیاست زدایی فرض می کند که دولت های کشور خودی از دخالت دیپلماتیک در اختلافات سرمایه گذاری خودداری می کنند، و ترجیح می دهند تا سرمایه گذاران را به حال خود بگذارند تا منابع خودشان را دنبال کنند (مورر، ۲۰۱۳؛ واندولد، ۱۹۹۳). در حالی که دولت های کشور خودی ترجیح می دهند تا از اختلافات فردی دور بمانند، این شک وجود دارد که حداقل در دهه های اخیر این موضوع به جای اینکه قانون باشد، یک استثنا است. بسیاری از دولت ها خدمات دیپلماتیک خود را اصلاح کردند تا بیشتری به اهداف تجاری بدهند (لی و هادسون، ۲۰۰۴)،^۳ و گروه های خارجی دیپلماتیک نقش اصلی در توسعه و حفظ فرصت های اقتصادی برای شرکت های

22. Rose

23. Chilton

24. MIGA

19. Paparinskis

20. Paparinskis, Titi, Bonnitche, Poulsen, & Waibel

21. Lee & Hudson

می شود. دولت های داخلی، دولت های میزبان سرمایه گذاران خارجی همه می توانند مشوق هایی داشته باشند تا مذاکرات را در مورد اختلافات سرمایه گذاری محرمانه نگه دارند. نهادهای دولتی گاه دستورات عملی هایی را در مورد این موضوع ایجاد می کند که چگونه و چه زمانی در خارج از کشور ممکن است به شرکت ها و افراد درگیر در اختلافات سرمایه گذاری کمک کنند، اما این سیاست ها مبهم هستند و ارزیابی آنها دشوار است که چگونه دیپلماسی از نزدیک چنین دستورات عملی هایی را دنبال می کند. موضوع دیگر این است که ممکن است داده های نمونه با هدف تغییر سیاست خاص یا ممانعت از یک عامل خاص که امکان جهت گیری نمونه را فراهم می کند آشکار گردد. با این حال، از آنجا که تمرکز بر روی سیاست های نسبتاً کم تجارت خارجی در اختلافات سرمایه گذاری است. برای هر یک از اختلاف مشخص شده، میزان مداخله دیپلماتیک دولت ها و نهادهای مربوطه مورد بررسی قرار می گیرد که طیف گسترده ای از اقدامات دیپلماتیک را آشکار می کنند که برای پیشبرد منافع سرمایه گذاری شامل گزارش به مقامات دولتی، نوشتن نامه های رسمی شکایت یا اعتراض، تشکیل جلسات با نمایندگان سرمایه گذار و مقامات کشور میزبان، تنظیم کنندگان لابی و مقامات سیاسی در نظر گرفته می شوند، و به صراحت حل اختلاف را با مباحث دیگری مانند کمک و منافع تجاری مرتبط می کنند. با این حال، در حالی که مجازات ها صریح، نادر و اندک هستند، مداخلات دیپلماتیک سیاسی شده بسیار رایج هستند که در نسبت بالایی از کل اختلافات، اختلافات مورد بحث با رئیس دولت هستند یا در طول یک ملاقات رسمی دیپلماتیک مطرح می شوند. از نظر تئوری، چنین مداخلات دیپلماتیکی صرفاً می تواند " گفتگوی کم ارزش " با تأثیر اندک بر انگیزه ها یا اقدامات کشورهای میزبان باشند. بدون شک این موارد وجود دارد و نشان دهنده این هستند که مقامات دولتی اهمیت قابل توجهی برای حل و فصل اختلافات قائل هستند و کشورهای میزبان انتظار دارند که در صورت عدم انجام این کار، هزینه های سیاسی داشته باشند. در نهایت با استفاده از موارد گردآوری شده فرضیه سیاست زدایی به شرح زیر مورد آزمون تجربی قرار می گیرد:

گام اول

فرضیه سیاست زدایی پیشنهاد می کند در صورتی که کشور میزبان یک معاهده سرمایه گذاری با ایران تصویب کرده باشد، دولت ایران باید با احتمال کمتری به صورت جدی در مناقشات

اغلب به صورت مطلوب پاسخ داده نمی شود، حتی زمانی که شرکت ها این توانایی را دارند تا ادعاهای معادات مستقل را ثبت کنند (گرتز، ۲۰۱۸). مورر (۲۰۱۳) نشان داد که سیستم داوری معاهدات سرمایه گذاری دولت ایالات متحده را از فشار سرمایه گذار برای مداخله در اختلافات مجزا می کند، و این امکان را فراهم می کند که " با ظرافت از انواع درگیری های مداوم خارج شود " که مستلزم آن حمایت دیپلماتیک است. مقامات آمریکایی که مسئول برنامه قراردادهای سرمایه گذاری دوجانبه ایالات متحده هستند، پتانسیل سیاست زدایی اختلافات سرمایه گذاری را به عنوان یکی از منافع اصلی سیستم در نظر گرفته اند. واندولد (۱۹۸۸) یکی از مذاکره کنندگان اصلی نوشت، داوری معاهدات سرمایه گذاری تضمین خواهد کرد که حل اختلاف " به صورت کامل از رابطه سیاسی بین دولت سرمایه گذار و دولت میزبان مجزا است. بنابراین جز اینکه کشوری همچون امریکا یک مورد منحصر به فرد است، سوالی که مطرح می گردد این است که فرضیه سیاست زدایی در بهترین حالت بی نتیجه است. این موضوع توجیه اصلی در طول ایجاد و گسترش نظام معاهدات سرمایه گذاری توسط سیاست گذاران دانشگاهیان ارشد حقوقی برای داوری معاهدات سرمایه گذاری پیشرفته را زیر سوال می برد. به جای پذیرش فرضیه سیاست زدایی به عنوان یک واقعیت ساختارمند، این فرضیه باید از نظر تجربی ارزیابی شود. نهایتاً مساله تحقیق در قالب سوال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه آیا معاهده های سرمایه گذاری منجر به سیاست زدایی اختلافات سرمایه گذاری خارجی می شود یا خیر؟

روش شناسی تحقیق

این تحقیق بر اساس هدف از نوع کاربردی است. و از لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی کمی است. روش شناسی مورد استفاده در این تحقیق از نوع پس رویدادی بوده و از اطلاعات گذشته استفاده شده است. در مواردی که بررسی ارتباط بین یک متغیر وابسته با چند متغیر مستقل مد نظر باشد، بنابراین با استفاده از داده های ۱۲۷ مورد اختلاف در یک دوره ده ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ در اقتصاد ایران یک مدل لوجیت تبیین و با برآورد آن اقدام به تجزیه و تحلیل گردید یکی از دلایل تحلیل تجربی مداخلات دیپلماتیک در اختلافات سرمایه گذاری این است که تا به حال توجه آکادمیک کمی به کمبود داده ها شده است، زیرا فشار سیاسی در حل و فصل اختلافات غیررسمی به ندرت مشاهده

ایران با درگیری های دیپلماتیک ایران ارتباط دادند یا خیر؟ نتایج در جدول ۱ نشان می دهد: سهم مناقشات با تعاملات جدی دیپلماتیک ایران تقریباً در کشورهایی با معاهدات سرمایه گذاری و بدون معاهدات سرمایه گذاری یکسان است: ۴۲ درصد در مقابل ۴۵ درصد. این موضوع حاکی از آن است که معاهدات سرمایه گذاری ایران با درگیری های دیپلماتیک ایران بی ارتباط هستند.

سرمایه گذاری دخالت کند. بعنوان مرحله اولیه، مقایسه می شود که آیا این مداخله دیپلماتیک با احتمال کمتر یا بیشتر در حضور یک معاهده تصویب شده سرمایه گذاری ایران بود یا خیر؟ این نتایج حاصل از این بررسی می تواند شامل این موضوع باشد که سهم مناقشات با تعاملات واقعی دیپلماتیک ایران تقریباً در کشورهایی با معاهدات سرمایه گذاری و بدون معاهدات سرمایه گذاری یکسان است یا خیر؟ نتیجه این بررسی حاکی از آن خواهد بود که معاهدات سرمایه گذاری

جدول ۱. درگیری دیپلماتیک و دسترسی به داوری دولت-سرمایه گذار مبتنی بر معاهده

اختلافات	اشتراک با درگیری جدی دیپلماتیک	SE	T آزمون	DF	value - P
بدون معاهده سرمایه گذاری	۴۵	۰/۱۲	۰/۳۷	۱۱۰	۰/۲۳
معاهده سرمایه گذاری	۴۲	۰/۱۴			

$$\text{Logit}(p) = \log\left(\frac{p}{1-p}\right) = \log(p) - \log(1-p)$$

این تابع در مدل رگرسیون لجستیک استفاده می شود. تابع لجوجیت برای منظوره های متفاوتی توسط آماردان ها استفاده می شود. معمولاً این تابع در مدل لجوجیت که در ساده ترین حالت به صورت زیر می باشد:

$$\text{Logit}(p_i) = a + bx_i$$

استفاده می شود که در آن x_i متغیری است که وقوع یا عدم وقوع در i امین اتفاق و p_i احتمال وقوع را نشان می دهد.

نتایج برآورد مدل لجوجیت اقدام دیپلماتیک ایران

مدل لجوجیت اقدام دیپلماتیک ایران در دو حالت به شرح زیر مورد استفاده و تخمین قرار می گیرد:

الف) بدون وجود معاهدات سرمایه گذاری

جدول ۲. مدل لجوجیت اقدام دیپلماتیک

خطای معیار	مدل ۱
LGDP	۰/۲۲
GPD رشد	۰/۳۸
سید سرمایه گذاری	۰/۲۱
دادگاه داخلی (محلی)	***۰/۸۹
اختلاف قرارداد	***۰/۷۷
مقدار ثابت	۱۳/۲۱۳
مشاهدات	۱۰۲
log likelihood	۱۹۸/۶۲۵
Chi2	۳۳/۴۳۵

گام دوم

برای ارزیابی دقیق تر، یک برآوردی از یک مدل رگرسیون پایه از محرک های مداخلات دیپلماتیک صورت می گیرد. به این صورت که با یک مدل ساده از کشور میزبان و کنترل های سطح - مناقشه شروع می شود. همانطور که ممکن است توانایی و اثربخشی دیپلماسی ایران با اندازه بازار کشور میزبان مرتبط باشد، GDP کشور میزبان در مدل در نظر گرفته می شود. همچنین رشد تولید ناخالص داخلی نیز منظور می گردد، زیرا هم سرمایه گذاران و هم دولت ایران ممکن است تمایل بیشتری به یک راه حل سیاسی سریع در کشورهای میزبان با رشد بالا داشته باشند همچنین، اقدامات دیپلماتیک ایران ممکن است به متوسط یا سطوح مورد انتظار ریسک سرمایه گذاری در یک کشور میزبان وابسته باشد بنابراین شاخص راهنمای بین المللی ریسک کشوری (International Country Risk = ICRG Guide) برای مشخصات سرمایه گذاری در نظر گرفته می شود. این شاخص، خطرات ناشی از بقای قرارداد، سلب مالکیت، بازپرداخت سود، و تاخیر پرداخت را ثبت می کند.

مدل لجوجیت اقدام دیپلماتیک ایران

در ریاضیات و آمار، تابع لجوجیت Logit عددی حقیقی p بین صفر و یک به صورت زیر است:

²⁶ متغیرهای رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) و GDP از شاخص های توسعه جهانی و مرکز آمار ایران گرفته شده است.

نمی کند، و با تمام متغیرهای دیگر، مقادیر میانگین آنها را تعیین می کند، احتمال پیش بینی شده مداخلات دیپلماتیک جدی کمتر است از زمانی که مداخلات دیپلماتیک جدی برای یک اختلاف یا مناقشه "میانگین" مشابه اما با یک معاهده سرمایه گذاری است. البته این تفاوت نه تنها از نظر آماری کوچک و ناچیز است، بلکه همچنین نشانه مخالفت با آن چیزی است که انتظار می رود. در نهایت می توان گفت که دستورالعمل های رسمی دولت ها نشان می دهند که دیپلماسی به احتمال زیاد در مناقشاتی مداخله می کند که به اولویت های دیپلماتیک گسترده تر، مانند حاکمیت قانون، روند مقررات و نگرانی های اجرای قرارداد اشاره می کنند.

بحث و بررسی تحقیق

تحقیق حاضر با هدف بررسی تاثیر معاهده های سرمایه گذاری بر سیاست زدایی اختلافات سرمایه گذاری خارجی با رویکرد قانونی شدن ، دیپلماسی و توسعه در نظر گرفته شد. در این راستا فرضیه ایی با مضمون اینکه "در صورتی که کشور میزبان یک معاهده سرمایه گذاری با کشور دیگری تصویب کرده باشد، دولت کشور دیگر باید با احتمال کمتری به صورت جدی در مناقشات سرمایه گذاری دخالت کند" تبیین و ۱۲۷ مورد اختلاف در یک دوره ده ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ از معاهدات سرمایه گذاری مورد مناقشه با استفاده از مدل لوجیت اقدام دیپلماتیک مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. دسترسی خصوصی به حل و فصل اختلافات بین المللی اغلب منجر به افزایش دعوی حقوقی علیه نهادهای حاکمیت و دولتی می شود. نظام معاهدات سرمایه گذاری یک مورد مهم در این زمینه است، که بروز ادعاهای اختلافی سرمایه گذار منجر به هزینه های قابل توجهی برای کشورهای در حال توسعه در دهه های اخیر شده است (واندولد، ۲۰۰۹؛ چیتون، ۲۰۱۶). با این حال، منافع نظام معاهدات سرمایه گذاری برای کشورهای در حال توسعه و وضوح کمتری دارد. ادبیات تجربی به صورت انحصاری بر یک مزیت بالقوه تحت عنوان افزایش سرمایه گذاری متمرکز شده است در حالی که مزیت دیگر یعنی سیاست زدایی نادیده گرفته می شود، اگر چه مهمتر نیست اما مهم است. این تحقیق با نگاهی ویژه به مداخلات دیپلماتیک دولتها و نهادهای مربوطه، با ارائه آزمون تجربی، فرضیه سیاست زدایی را مورد بررسی قرار داده است. در مقابل با استدلال های مطرح شده توسط کشورهای صادر کننده سرمایه و محققان علوم مربوطه،

AIC	۲۱۸/۲۱۳
متغیر وابسته : اختلافات جدی دیپلماتیک	
*P < 0.1 , **P < 0.05 , ***P < 0.01	

نتایج برآورد مدل در حالت اول نشان می دهد در حالی که به نظر نمی رسد ویژگی های کشور میزبان پیش بینی کننده مهمی برای مداخلات باشد اما ویژگی ها و اندازه سطح اختلاف مهم خواهند بود. همچنین احتمال مداخله دولت ها در اختلافاتی که قبلاً به دادگاه های داخلی محلی کشیده شده است بسیار بیشتر است. جدای از پیروی از دستورالعمل های رسمی، مداخلات در این موارد ممکن است برای ارسال سیگنالی در مورد منافع دولت در یک سیستم قضایی خوب و بدون دخالت سیاسی طراحی شود. اختلافات قراردادی نیز بیشتر مستلزم دخالت جدی دولت است، شاید به این دلیل که وقتی سرمایه گذاران داخلی هدف قرار می گیرند، مداخله آسان تر در مقایسه با اختلافات بر سر مقررات عمومی و کلی دولت توجیه می شود.

ب) وجود معاهدات سرمایه گذاری

جدول ۲. مدل لوجیت اقدام دیپلماتیک

خطای معیار	مدل ۲	
	۰/۴۲۱	معاهدات سرمایه گذاری ایران
	۰/۸۳۴	LGDP
	*۰/۱۸	GDP رشد
	۰/۵۵۶	سید سرمایه گذاری
	***۰/۹۲	دادگاه داخلی (محلی)
	***۰/۸۹	اختلاف قرارداد
	۱۷/۲۱۳	مقدار ثابت
	۱۰۲	مشاهدات
	۱۹۹/۳۲۳	log likelihood
	۲۹/۲۳۱	Chi2
	۲۱۹/۴۴۵	AIC

متغیر وابسته : اختلافات جدی دیپلماتیک

*P < 0.1 , **P < 0.05 , ***P < 0.01

در حالت دوم، عامل وجود معاهدات سرمایه گذاری در مدل پایه تصریح و تبیین می گردد. فرضیه سیاست زدایی نشان می دهد که حضور یک پیام سرمایه گذاری باید تاثیر منفی معنی داری بر احتمال مداخله دیپلماتیک داشته باشد. اما این مورد توسط نتایج ارائه شده در جدول ۲ تایید و پشتیبانی نمی شود. برای یک اختلاف و مناقشه "میانگین" که توسط معاهده سرمایه گذاری پوشش داده نمی شود (یک مناقشه ای که از طریق سیستم دادگاه داخلی نبوده است، یک قرارداد را درگیر

نظارتی جایگزین می شود. جدا کردن این اثرات از تاثیر قانونی سازی چالش برانگیز خواهد بود، اما می تواند بینش های مهمی را برای درک تاثیر معاهدات سرمایه گذاری بر کشورهای در حال توسعه ارائه دهد. (۲) همچنین نتایج نشان می دهند که در دوره معاصر، دولت ها از نظر استراتژیکی انتخاب می کنند تا چه زمانی در اختلافات مداخله کند، بجای اینکه این کار را زمانی انجام دهد که توسط فشار خصوصی مجبور شود. اگرچه این یافته ها مقدماتی هستند و باید در معرض آزمون های بعدی قرار گیرند، اما این امر حاکی از آن است که دخالت دولت داخلی در مناقشات سرمایه گذاری بیشتر ناشی از این موضوع است که آیا سیاسی سازی اختلافات با منافع استراتژیک یک کشور مطابقت دارد یا خیر؟ بجای اینکه اندازه و نفوذ سیاسی سرمایه گذاران را در نظر بگیرد. در صورت درست بودن، این موضوع با تحقیقات (واندولد، ۲۰۰۹؛ چیلتون، ۲۰۱۶). سازگار است که منافع مادی محدود را از سرمایه گذاری های سیاسی شرکت پیدا می کند این موضوع همچنین به معنای حرکت چشمگیر از دیپلماسی سیاست گذاری در طول جنگ سرد است. نهایتاً علیرغم این که دولت ها به صورت مکرر در اختلافات دنیای در حال توسعه مداخله می کند، دولت های قدرتمند به ندرت از تهدیدات یا تحریم های صریح در مناقشات سرمایه گذاری استفاده می کنند. این امر حاکی از یک تغییر مهم در دیپلماسی سرمایه گذاری از دوره ای است که نظام معاهدات سرمایه گذاری آشکار شده است. همچنین، سوالاتی حداقل فرضی، پیرامون فرضیه سیاست زدایی مطرح می شود، که به موجب آن نهادینه سازی گسترده نظام حقوقی برای اختلافات سرمایه گذاری باعث تغییر کلی به سمت مداخلات دیپلماتیک کمتر اجباری و کمتر تهاجمی می شود. این امکان وجود دارد که داوری معاهدات سرمایه گذاری، تأثیر کلی سیاست زدایی در سطح نظام داشته باشد و تأثیرات گسترده ای در همه کشورها داشته باشد. این موضوع، زمینه مهمی را برای تحقیقات آینده باز می کند، با این وجود ارزیابی تجربی آن بسیار پیچیده و دشوار است، زیرا تعدادی از توضیحات احتمالی جایگزین وجود دارند. بعنوان مثال، هنجارهای بین المللی مرتبط با مداخلات دیپلماتیک برای اهداف تجاری، استفاده قانونی از زور در روابط بین المللی، و احترام به حاکمیت کشورهای در حال توسعه، همگی در قرن گذشته تکامل یافته اند، و باعث شدند که مداخلات دیپلماتیک تهاجمی کمتر قابل تحمل شوند علاوه بر این، ماهیت اختلافات سرمایه گذاری در دنیا تغییر کرده است. مداخلات دیپلماتیک تهاجمی تر گذشته اغلب در اختلافات مربوط به سلب مالکیت آشکار و ملی شدن بوده است، اما چنین اختلافاتی امروزه بسیار کمتر اتفاق می افتد و اختلافات ظریف تری در مورد شرایط پیمانکاری و تغییرات

هیچ مدرکی یافت نمی شود که یک معاهده سرمایه گذاری تفاوت مهمی در چگونگی اعمال فشار دولت کشورها برای حل اختلافات سرمایه گذاری ایجاد کند. این موضوع اهمیت ویژه ای برای کشورهای در حال توسعه دارد، زیرا آنها به طور معمول در ازای کمتر سیاسی کردن مناقشات سرمایه گذاری خود، تشویق می شوند تا به داوری معاهدات سرمایه گذاری ترغیب شوند. نتایج تحقیق تنها اولین قدم برای درک عمیق تر چگونگی تأثیرگذاری معاهده های سرمایه گذاری بر روابط دیپلماتیک بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه هستند. نگاه تحقیق به دنیای غالباً پنهان دیپلماسی غیر رسمی سرمایه گذاری نیز سوالات گسترده تری را درباره نقش های قانونی سازی، دیپلماسی، و قدرت شرکتها مطرح می کند زیرا که سرمایه گذاران به اختلافات در دنیای در حال توسعه مواجه می شوند. نتایج تحقیق نشان می دهد که (۱) در حالی که دولت ها به صورت مکرر در اختلافات دنیای در حال توسعه مداخله می کند، دولت های قدرتمند به ندرت از تهدیدات یا تحریم های صریح در مناقشات سرمایه گذاری استفاده می کنند. این امر حاکی از یک تغییر مهم در دیپلماسی سرمایه گذاری از دوره ای است که نظام معاهدات سرمایه گذاری آشکار شده است. همچنین، سوالاتی حداقل فرضی، پیرامون فرضیه سیاست زدایی مطرح می شود، که به موجب آن نهادینه سازی گسترده نظام حقوقی برای اختلافات سرمایه گذاری باعث تغییر کلی به سمت مداخلات دیپلماتیک کمتر اجباری و کمتر تهاجمی می شود. این امکان وجود دارد که داوری معاهدات سرمایه گذاری، تأثیر کلی سیاست زدایی در سطح نظام داشته باشد و تأثیرات گسترده ای در همه کشورها داشته باشد. این موضوع، زمینه مهمی را برای تحقیقات آینده باز می کند، با این وجود ارزیابی تجربی آن بسیار پیچیده و دشوار است، زیرا تعدادی از توضیحات احتمالی جایگزین وجود دارند. بعنوان مثال، هنجارهای بین المللی مرتبط با مداخلات دیپلماتیک برای اهداف تجاری، استفاده قانونی از زور در روابط بین المللی، و احترام به حاکمیت کشورهای در حال توسعه، همگی در قرن گذشته تکامل یافته اند، و باعث شدند که مداخلات دیپلماتیک تهاجمی کمتر قابل تحمل شوند علاوه بر این، ماهیت اختلافات سرمایه گذاری در دنیا تغییر کرده است. مداخلات دیپلماتیک تهاجمی تر گذشته اغلب در اختلافات مربوط به سلب مالکیت آشکار و ملی شدن بوده است، اما چنین اختلافاتی امروزه بسیار کمتر اتفاق می افتد و اختلافات ظریف تری در مورد شرایط پیمانکاری و تغییرات

References

- Hillman, A., Keim, G., & Schuler, D. (2004). Corporate political activity: A review and research agenda. *Journal of Management*, 30(6), 837–857.
- Jackson, J. (1979). Governmental disputes in international trade relations: A proposal in the context of GATT. *Journal of World Trade*, 13(1), 1–21.
- Jones, L. (2015). *Societies under Siege: Exploring how international economic sanctions (Do Not) work*. New York: Oxford University Press.
- Kelley, J. (2017). *Scorecard diplomacy: Grading states to influence their reputation and behavior*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kelly, J. (2012). *WikiLeaks: A guide for American Law Librarians*. *Law Library Journal*, 104(2), 245–262.
- Lauterpacht, H. (1933). *The function of law in the international community*. Oxford: Clarendon Press.
- Lee, D., & Hudson, D. (2004). The old and new significance of political economy in diplomacy. *Review of International Studies*, 30(3), 343–360.
- Manger, M. (2008). International investment agreements and services markets: Locking in market failure? *World Development*, 36(11), 2456–2469.
- Mason, R., & Nelson, D. (2011). David Cameron Intervenes for Cairn and Vodafone in India. *The Telegraph*.
- Maurer, N. (2013). *The empire trap: The rise and fall of U.S. intervention to protect American property overseas, 1893-2013*. Princeton: Princeton University Press.
- Miller, S. (2006). United States suspends trade negotiations with Ecuador.. *US Federal News Service*.
- Minder, R. (2012). Spain stings Argentina over Alvarez, J. (2002). The WTO as linkage machine. *American Journal of International Law*, 96(1), 146–158.
- Alter, K. (2003). Resolving or exacerbating disputes? The WTO's new dispute resolution system. *International Affairs*, 79(4), 783–800.
- Bonnitcha, J., Poulsen, L., & Waibel, M. (2017). *The political economy of the investment treaty regime*. Oxford: Oxford University Press.
- Clinton, H., (2011). Remarks at the 2011 U.S. Global Leadership Coalition (USGLC) Conference, 12 July 2011.
- Colen, L., Persyn, D., & Guariso, A. (2016). Bilateral investment treaties and FDI: Does the sector matter? *World Development*, 83, 193–206.
- Davis, C. (2012). *Why adjudicate? Enforcing trade rules in the WTO*. Princeton: Princeton University Press.
- Drezner, D. (2010). Why WikiLeaks is bad for scholars. *The Chronicle of Higher Education*.
- Finnemore, M. (2003). *The purpose of intervention: Changing beliefs about the use of force*. Ithaca: Cornell University Press.
- Fischer, D. (1982). Decisions to use the international court of justice: Four recent cases. *International Studies Quarterly*, 26(2), 251–277.
- Gertz, G. (2018). Commercial diplomacy and political risk. *International Studies Quarterly* Forth.
- Geoffrey Gertz a, Srividya Jandhyala , Lauge N. Skovgaard Poulsen. . (2018). Legalization, diplomacy, and development: Do investment treaties de-politicize investment disputes?. *Journal World Development* 107, 239 –252
- Gill, M., & Spirling, A. (2015). Estimating the severity of the WikiLeaks U.S. diplomatic cables disclosure. *Political Analysis*, 23(2), 299–305.

- Vandavelde, K. (1988). The bilateral investment treaty program of the United States. *Cornell International Law Journal*, 21(2), 201–276.
- Vandavelde, K. (2009). U.S. international investment agreements. Oxford: Oxford University Press.
- Wellhausen, R. (2014). The shield of nationality. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wroughton, L., & Manson, K. (2010). Congo wins debt relief despite Canadian concerns. *The Toronto Star*.
- Yackee, J. (2010). Do bilateral investment treaties promote foreign direct investment? Some hints from alternative evidence. *Virginia Journal of International Law*, 51(2), 397–442.
- Yackee, J. (2017). Politicized dispute settlement in the pre-investment treaty era: A micro-historical approach. Univ. of Wisconsin Legal Studies Research Paper No.141.
- oil company nationalization. *The New York Times*.
- Parra, A. (2015). The convention and centre for settlement of investment disputes. *Recueil des cours*, 374.
- Pegg, S., & Berg, E. (2016). Lost and found: The WikiLeaks of de facto state-great power relations. *International Studies Perspectives*, 17(3), 267–286.
- Post, A. (2014). Foreign and domestic investment in Argentina: The politics of privatized infrastructure. Cambridge: Cambridge University Press.
- Poulsen, L. S. (2018). The expressive power of treaties: Investment treaties as focal points. Working paper.
- Provost, C., & Kennard, M. (2015). The Obscure Legal System that Lets Corporations Sue Countries. *The Guardian*.
- Rainey, C. (2014). Arguing for a negligible effect. *American Journal of Political Science*, 58(4), 1083–1091.
- Shadlen, K. (2008). Globalisation, power, and integration: The political economy of regional and bilateral trade agreements in the Americas. *Journal of Development Studies*, 44, 1–20.
- Titi, C. (2015). Are investment tribunals adjudicating political disputes? *Journal of International Arbitration*, 32(3), 261–288.
- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD). 2015. World Investment Report 2015. Geneva: United Nations.
- U.S. Senate. 1995. Committee on Foreign Relations. Bilateral Treaties Concerning the Encouragement and Reciprocal Protection of Investment. 104th Congress, 30 November 1995.